



مجله علمی و فرهنگی
پژوهش‌های تاریخی و ادبی

فارسى دوازدهم

سجده

۳۰

صفحه مرور کامل معنی
و املاي واژگان

۱۷۰

صفحه بررسی سطر به سطر
کتاب درسی در مباحث دستور،
آرایه و معنی و مفهوم

۲۴

ساعت فیلم آموزش
کامل دستور و آرایه

۲۲

آزمون فصل به فصل
و جامع با پاسخ تشریحی

فرمول
فلسفه
زود



9 786220 308911

آهران میدانی

نشر آثار و کتاب

www.gamarket.com

فهرست

۵ ستایش: ملکا ذکر تو گویم

فصل اول: ادبیات تعلیمی

۹ درس اول: شکر نعمت

۱۹ گنج حکمت: گمان

۲۵ درس دوم: مست و هشیار

۲۸ شعرخوانی: در مکتب حقایق

۳۱ آزمون ۱ فصل اول

۳۵ آزمون ۲ فصل اول

فصل دوم: ادبیات پایداری

۴۳ درس سوم: آزادی

۴۶ دفتر زمانه

۴۹ گنج حکمت: خاکریز

۵۱ درس پنجم: دماوندیه

۶۰ روان‌خوانی: جاسوسی که لاف بود!

۶۴ آزمون ۱ فصل دوم

۶۸ آزمون ۲ فصل دوم

فصل سوم: ادبیات غنایی

۷۵ درس ششم: فی‌نامه

۸۵ گنج حکمت: آفتاب جمال حق

۸۷ درس هفتم: در حقیقت عشق

۹۰ سودای عشق

۹۵ شعرخوانی: صبح ستاره باران

۹۸ آزمون ۱ فصل سوم

۱۰۲ آزمون ۲ فصل سوم

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

۱۰۹ درس هشتم: از یاریز تا پاریس

۱۱۸ گنج حکمت: سه مرکز زندگی

۱۱۹ درس نهم: کویر

۱۲۸ روان‌خوانی: بوی جوی مولیان

۱۳۵ آزمون ۱ و ۲ فصل چهارم

۱۴۷ آزمون ۱ و ۲ نیم‌سال اول

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

۱۶۰ درس دهم: فصل شکوفایی

۱۶۵ گنج حکمت: تیرانا!

۱۶۷ درس یازدهم: آن شب عزیز

۱۷۹ شعرخوانی: شکوه چشمان تو

۱۸۳ آزمون ۱ فصل پنجم

۱۸۷ آزمون ۲ فصل پنجم

فصل ششم: ادبیات حماسی

۱۹۴ درس دوازدهم: گذر سیل و ش از آتش

۲۱۰ گنج حکمت: به جوانمردی گوش

۲۱۳ درس سیزدهم: خوان هشتم

۲۲۵ شعرخوانی: ای میهن!

۲۲۷ آزمون ۱ فصل ششم

۲۳۲ آزمون ۲ فصل ششم

فصل هفتم: ادبیات داستانی

۲۳۹ درس چهاردهم: سی‌مرغ و سی‌مرغ

۲۵۶ گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!

۲۵۷ درس شانزدهم: کباب‌عاز

۲۷۸ روان‌خوانی: ارمیا

۲۸۳ آزمون ۱ فصل هفتم

۲۸۷ آزمون ۲ فصل هفتم

فصل هشتم: ادبیات جهان

۲۹۵ درس هفدهم: خنده‌تو

۳۰۰ گنج حکمت: مسافر

۳۰۲ درس هجدهم: عشق جاودانی

۳۰۵ روان‌خوانی: آخرین درس

۳۱۲ نیایش: لطف تو

۳۱۵ آزمون ۱ فصل هشتم

۳۱۹ آزمون ۲ فصل هشتم

تاریخ ادبیات

۴ دوره امتحان نهایی

۳۲۶

۳۲۸

ستایش: بلکه، ذکر تو کویم

دانشنامه کتاب

پویندن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جستجوی چیزی، تلاش، رفتن دی ۱۴۰۱ و شهریور ۹۹ خاج ثنا: ستایش، سپاس دی ۹۷ خراج و دی ۱۴۰۱ هم‌آوا با «سنا - نور و روشنائی» جرا: یادداشت کار نیک جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.	جوید: بخشش، سخاوت، گرم حکیم: دانا به همه چیز، دانی راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ پدین معنای همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد. رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند روی: مجازاً امکان، چاره شور: شادی، خوشحالی خرداد ۱۴۰۱	سزا: سزایوار، شایسته، لایق شبه: مانند، مثل، همسان خرداد ۱۴۰۱ این واژه با «شیخ = سابه، سیاهی» هم‌آوا نیست. عز: ارجمندی، گرامی شدن؛ مقل «ذال - خواری» فضل: بخشش، گرم کریم: بسیار بخشنده، بخشنده، از نام‌ها و صفات خداوند عبلک: پادشاه، خداوند؛	این واژه با واژه‌های «خلک = فرشته و خلک = سرزمین، پادشاهی» هم‌آوا نیست. نمانده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده وهم: پندار، تصور، خیال یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد
--	--	--	--

۵

سایر واژگان

نگنجی: جای نمی‌گیری وصف: توصیف کردن	ذکر: یاد کردن فرا: اضافه کنی، زیاد کنی مگر: امید است که، شاید که	یکاهی: کم کنی، کاهش دهی توحید: یگانگی، یکسای دوزخ: جهنم
---	--	---

واژگان هم‌آوا و تشبیه

شبه: مانند شبح: سایه	فزا: بن مضروع از افزودن فضا: جَو	ثنا: ستایش سنا: روشنائی
--	--	---

واژگان مهم املا

ذکر و یاد / فضل و رحمت / سزا و لایق / حکیم و دانا / عظیم و بزرگ / رحیم و مهربان / ثنا و ستایش / خرداد ۱۴۰۳ و شهریور ۱۴۰۲ / وهم و گمان / عز و ارجمندی / جرا و یادداشت / غیب و پنهان / عیب و عار / سنا و روشنائی / توحید و یگانگی / شبه و شباهت / خرداد ۱۴۰۲ / عز و ذل / یکاهی و فراپی / جود و جزا

شرح متن درس

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جسز به هملن ره که توأم راه نیایی

مباحث دستوری

ملک ← متاد، «د» در «ملکا» ← حرف ندا / ذکر تو ← مفعول،
توکب اضافی، صی ۹۸ خارج / پاک ← مسند / خدا ← مسند / ره
← مستقم، صی ۹۸ خارج / «شدم» در «توأم» ← مستقم با مضاف الیه:
۱. تو راه را به من نمایی، ۲. تو راهنمای من هستی / بیت (۶ جمله)
دارد: ۱. ملکا ۲. ذکر تو گویم، ۳. تو باکی ۴. تو خدایی ۵. نروم جز
به هملن ره ۶. که توأم راه نمایی

آرایشی ادبی

نولم راه نمایی ← ایهلم دوگانه خولی [۱] تو راه را به من نمایی
(نشان دهی) ۲. تو راهنمای من هستی / مصراع دوم ← تلمیح

به آیه ۴، سوره حمد: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: ما را به راه راست
هدایت فرما، / واج آرای ← تکرار صامت «ک»

معنی و مفهوم

معنی بیت: خدایا، فقط نام تو را بر زبان می آورم؛ زیرا تو پاک و
منزه و پروردگار عالم هستی. فقط در راهی که تو آن را به من
نشان می دهی تمام می نهم.

مفهوم بیت:

۱. ذکر و تسبیح خداوند پاک.
۲. هدایت‌گری خداوند (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)

به درگاه تو جویم همه از فضل تو گویم / به توحید سزایی

مباحث دستوری

همه ← قید (به معنی فقط) / جویم، پویم، گویم ← مضارع
اخباری (می جویم، می پویم، می گویم) / سزا ← مسند

آرایشی ادبی

مصراع اول ← تلمیح به آیه ۵، سوره حمد: ﴿إِثَّاكَ نَعْبُدُكَ وَ إِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ﴾: تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم / جویم،
پویم، گویم ← جناس ناهمسان و سجع / تکرار ← همه، تو، توحید /
واج آرای ← تکرار صامت «ت» / مصراع دوم ← تلمیح به آیه ۱،
سوره اخلاص: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾: بگو خدا یکسانست

معنی و مفهوم

معنی بیت: در جستجوی بارگاه تو و در طلب فضل و یختش
تو هستم، من فقط از یگانگی و وحدانیت تو سخن می گویم؛ زیرا
تو شایسته توحید و یگانگی هستی.

مفهوم بیت:

۱. یاری جستن از خداوند (إِيَّاكَ نَعْبُدُكَ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)
۲. فضل و رحمت الهی
۳. اقرار به یگانگی خداوند (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)

شکر نعمت

لؤل

آموزش دستور

آموزش آرایه

دوره نامه کتاب درسی

۹

اعتراف: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی
خرداد ۱۴۰۱ حاج
انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی خرداد ۹۹
اسباط: حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد خودمآبی شدن خرداد ۱۴۰۰
باسق: بلند، بالیده
خرداد و شهریور ۹۹
بنات: ج بنت، دختران
بنان: سرانگشت، انگشت
ناک: درخت انگور، زر
تنقه: باقی مانده، تنقه دور زمان
سایه تمامی و کمال گردش روزگار، سایه تمامی و کمال دور زمان رسالت
تحفه: هدیه، ارمغان
تخیر: سرگشتگی، سرگردانی
تضرع: زاری کردن، التماس کردن
تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
حسبه: خوش اندام
جلیه: زیور، زینت
خوان: سفره، سفره قراخ و گشاده
هم‌اوا یا «خان» = بزرگ قبیله

دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند
ربیع: بهار
روزی: روزی، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد
شفیع: شفاعت‌کننده، یابمرد
شید: عسل، شهد فایق: عسل خالص
ضقوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر شهریور ۹۹
عاکفان: ج عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند دی ۹۹
عزوجل: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود
عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورنده افشرد، شیره
فاحش: آشکار، واضح مترادف با «هویدا» روشن، آشکار دی ۱۴۰۳
فایق: برگزیده، برتر دی ۹۹ حاج
فواش: فروش گستر، گسترده فروش قبا، جامه، جامه‌ای که از سوی پیش پاژ است و پس

از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.
قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن
تسیم: صاحب جمال
کاینات: ج کاینه، همه موجودات جهان
کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن
مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق.
خرداد ۹۸ و دی ۹۹ حاج
مزید: افزونی، زیدتی
مطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد؛ شهریور ۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۰
این واژه با «تفع = کالا، جنس» هم‌آوا نیست.
معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛ در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است خرداد ۹۸
معترف: اقرارکننده، اعتراف‌کننده
شغفر: هر چه بنان غفر کنند و پنازند؛ مایه افتخار

منفوح: شادی‌بخش، فرح‌انگیز
سکاسته: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است.
هنت: سپاس، شکر، لیکوئی
منسوب: نسبت داده‌شده
هم‌اوا یا «مصبوب» = گمارانده
گذاشته شده، منبث شده
سنگر: رشته تپاسته خرداد ۱۴۰۰
این واژه با «مکر = فکرکننده» هم‌آوا نیست
موسم: فصل، هنگام، زمان
ناموس: آبرو، شرافت
نبات: گیاه، زیستی
نمی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول
نسیم: خوش‌بو
نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده
واصفان: ج واصف، وصف‌کنندگان، ستاینندگان
ورق: برگ
وسیم: دارای نشان پیامبری دی ۹۸ حاج
وطیقه: مغزی، وجه معاش
وطیقه روزی: ورق «مقرر و معین» بریدن روزی، قطع کردن مغزی

سایر دانش

طاعت: عبادت، بندگی عهد: وظیفه فرو گذاشت: رها کرد فرویت: نزدیکی، «هم‌آوا با «غریب: دوری، فاصله» دی ۱۴۲ کریم: بخشنده کشفت: برطرف کرد، آشکار کرد کَلَمَک: قلم، خامه، هر بی میان نپی مدعی: ادعاکننده مستغرق: حیران و شیفته، مجذوب ممد: مددکننده، یاری رساننده، هم‌خانواده با «امنان» دی ۹۹ و ۳ بار تکرار مهد: گهواره نخل: درخت خرما	حیات: زندگی، هم‌آوا با «حیات: محوطه جلوی خانه» خبر: حدیث خصلت: ج خصلت، عادت‌ها خلعت: جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد، هدیه دجی: ج دجیه، تاریکی‌ها ذات: وجود زمود: سنگی قیمتی به رنگ سبز، زمردین منسوب: به زمود (صفت نسبی)، سبزرنگ شکور: شکرگزار، سپاس‌گزار صاحب‌دل: عارف، خداشناس صبا: بادی که از جانب شمال شرق می‌وزد، باد بهاری، باد پیام‌رسانی هم‌آوا با «سبا: سرزمینی در بحر کنونی»	اجابت: پاسخ دادن، پذیرفتن، قبول کردن پاک: نرس، هراس بحر: دریا، هم‌آوا با «بهر: حرکت افراط در معنای برای» بغل: مرغابی بلغ: رسید بی‌دوین: بی‌منت، بدون مضایقه بی‌دل: عاشق بی‌نشان: معشوق، خداوند تربیت: پرورش، توجه و لطف نمرت: نتیجه جل و علا: بزرگ و بلندمرتبه است، بعد از ذکر نام خداوند به‌کار می‌رود جمال: زیبایی، زیبایی اولی خداوند جیب: گریبان، یقه شهرپور ۱۲۸
---	---	--

دوازدهم آوا و شعر

فرویت: نزدیکی غریب: دوری، بیگانگی	خولان: سفره خان: رئیس قبیله	بحر: دریا بهر: برای	صبا: باد بهاری سبا: سرزمینی در بحر کنونی	ممنوب: نسبت داده شده خرداد ۱۴۰۰ و ۲ بار تکرار منسوب: گمارده شده
حیات: زندگی حیات: محوطه روبرو	نمر: نتیجه سمر: قصه، افسانه	نور: نوشته غیر منظوم نصر: پیروزی	تضرع: زاری تعرض: اعراض، برخاستن، تجاوز	شاع: فراموشا شاع: کالا

گذاشتن: رها کردن، قراردادن، وضع یا تأسیس کردن، اجازه دادن، عبور کردن و ...

گزاردن: یحای آوردن، انجام دادن، ادا کردن، تعبیر کردن، پرداختن و ...

دوازدهم مهم‌های

عز وجل و گرامی / طاعت و بندگی / فرویت و نزدیکی / دی ۱۴۲ خارج / مزینعت / ممد حیات / مفح ذات / تقصیر و کوتاهی / خولان و سفره / بی دریغ و بی منت / باموس و آبرو / گناه فاحش / خلعت و جامه / فایق و برگزیده شهرپور ۹۹ خارج و شهرپور ۹۸ / باسق و بلند خرداد ۹۸ خارج / بنات نبات / قبا و لباس / صفوت و برگزیده خرداد ۱۴۳ و دی ۱۴۰۲ خارج / تنمّه و باقی مانده / مطلع و فراموشا / ثابت و عذر / عاکف و عابد / حلیه و رینت / مستغرق و مجذوب / معاملات و اعمال عبادی / تحفه و ارمغان خرداد ۱۴۲ قتی / اصحاب و یاران / اعراض و روی گردانی / تضرع و زاری / ثمرات و نتیجه / فرو گذاشت و رها کرد / جسیم و نسیم / وسیم و شقیع / موسم و ربیع / بط و ماهی / واصف و ستاینده / تحیر و سرگشتگی / عرفان و معرفت / انبساط و منبسط / مدعی و اتنا / مطلع و مطیع / قدیم و قدم / اکراه و مکروه / اطفال و طفل / خصلت و خلعت / وظیفه روزی / خطای متکرر / فرش زمردین / عصارة ناکی / شهید فایق / جل و علا / صاحب‌دل / جیت مراقبت / شرط انصاف / رحمت عالمیان / صفوت ادمیان / مرغ سحر / مهد زمین / از بهر و برای دی ۱۴۲ و ۳ بار تکرار

شرح متن درس

منت خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

مباحث دستوری

«را» ← حرف اضافه در معنای «برای» / به شکر اندر ← آوردن دو حرف اضافه برای یک مفعول (ویرگی دستور تاریخی) / فعل [است] بعد از کلمه «نعمت» ← حذف به قرینه لفظی / «ستش» در «طاعتش، اندرش» ← مضاف‌الیه (در شکر کردن او)، مرجع ضمیر هر دو «ش» ← خداوند

آرایه‌های ادبی

قربت و نعمت ← سجع / به شکر اندرش مزید نعمت ← تلمیح

هر نفسی که فرو می‌رود، فَمَدَّ حیات است و جیب برمی‌آید، مَفْرُج ذات.

معنی و مفهوم

معنی نثر: هر نفسی که پایین می‌رود (دم) پاری‌دهنده و باعث ادامه زندگی است. شهریور ۱۳۷۲ و وقتی بیرون می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است.

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «ذات» ← حذف به قرینه لفظی. خرداد ۹۸

آرایه‌های ادبی

فرو می‌رود، برمی‌آید ← تضاد / حیات و ذات ← سجع. خرداد ۱۳۷۲

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

معنی و مفهوم

معنی نثر: پس در هر نفسی (دم و بازدم) دو نعمت وجود دارد و شکرگزاری برای هر نعمت واجب است. شهریور ۹۹ و دی ۹۸
مفهوم نثر: لزوم شکرگزاری خدا به سبب نعمت زندگی (زنده بودن).

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «واجب» ← حذف به قرینه لفظی. خرداد ۹۸ خلیج

آرایه‌های ادبی

تکرار ← نعمت / موجود و واجب ← سجع. خرداد ۱۳۷۲

کز عده شکرش به درآید؟

زبان ← مجاز از گفتار. خرداد ۹۹ / دست و زبان ← تناسب

معنی و مفهوم

معنی بیت: هیچ‌کس قادر نیست با اعمال و گفتار خود شکر خداوند را بدجا آورد. خرداد ۱۳۷۱ و دی ۹۹ خلیج

مفهوم بیت: عجز و ناتوانی انسان در شکرگزاری خداوند

از دست و زبان که برآید

مباحث دستوری

کند ← ضمیر پرسشی، مضاف‌الیه / «استش» در «شکرش» ← مضاف‌الیه، مرجع ضمیر «ش» ← خداوند

آرایه‌های ادبی

منصراع اولی ← استفهام انکاری / دست ← مجاز از اعمال (توانایی)،

«اعملوا انْ داوُدْ سُكْرًا وَ قَلِيلًا مِنْ عِبَادِي الشُّكُورِ».

مفهوم نثر: ۱) لزوم شکرگزاری خداوند

۲) اندک بودن شکرگزاران واقعی

آرایه‌های ادبی

تضمین ← آیه ۱۳، سوره سبأ

معنی و مفهوم

معنی نثر: ای خاندان داود، خدا را بسیار گوارا باشید در حالی که عده کمی از بندگانش من سپاس گزارند.

عذر به درگاه خدای آورده

بنده همان به که ز تقصیر خویش

معنی و مفهوم

معنی بیت: همان بهتر است که بنده به سبب گوناخی در شکرگزاری و عبادت در پیشگاه خداوند، عذرخواهی و توبه کند.

مفهوم بیت: توصیه به توبه و طلب عفو و رحمت الهی

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «یده» حذف به قرینه معنایی «دی ۱۲۰۲ خارج / مرجع ضمیر «خویش» بنده / آورد ← مضارع التزامی (بیابورد)

آرایه‌های ادبی

بنده، نقصیر، عذر، درگاه خدا ← مرععات نظیر

کس نتواند که به جای آورده

وزن، سزادار خداندیش

معنی و مفهوم

معنی بیت: وگرنه کسی نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته خداوند است، شکرگزاری کند.

مفهوم بیت: اقرار به ناتوانی در ستایش و پرستش خداوند.

مباحث دستوری

وزنه ← مخفف «و اگر نه» / «نش» در «خداندیش» ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته) / آورد ← مضارع التزامی (بیابورد)

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریش همه جا کشیده.

رسیده و کشیده ← جمع

معنی و مفهوم

معنی نثر: رحمت بی‌کران الهی همچون بارانی فراگیر به همه موجودات رسیده دی ۱۲۰۳ و نعمت بی‌محدوده و بی‌منش همچون سفره‌ای در همه‌جا گسترده شده است. دی‌روز ۱۴۰۳ و ۳ بار مکرر

مفهوم نثر: فراگیری رحمت و نعمت الهی

مباحث دستوری

بی‌حساب ← صفت مضاف‌الیه (وابسته وابسته) / «را» ← حرف اضافه در معنای «به» / بی‌دریع ← صفت مضاف‌الیه (وابسته وابسته) / «نش» در «باران رحمتش، خوان نعمتش» ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته) / فعل [است] بعد از «رسیده، کشیده» حذف به قرینه معنایی، ضمای نفی [رسیده است، کشیده است]

آرایه‌های ادبی

باران رحمت ← اضافه تشبیهی / خوان نعمت ← اضافه تشبیهی /

گنجینه پژوهش

| هیچ نقاش نمی‌داند که نقشی بر کشد |
| وان که دید از حیرتش گلک از بنان افکند ای |

معنی و مفهوم

معنی بیت: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند که نقشی از تو بکشد و آن کسی که تو را دیده بر اثر حیرت و سرگشگی، قلم از ایستادن (دستش) افتاد.

مفهوم بیت: ۱ نادیدنی بودن خداوند

۲ ناتوانی و سرگشگی شاعر از توصیف خداوند خرداد ۹۸
بیت با عبارت «و اصفان حیا جلالش به تحیر مصوب که: ما غرقانک حق معرفتک» از تائید مفهومی دارد.

مباحث دستوری

«ت» در «نقاش» ← مفعول (هیچ نقاش تو را نمی‌بیند) /
«ش» در «حیرتش» ← مضاف‌الیه [حیرتش ضمیر آن که دید از حیرت کلک از بنانش افکند ای]

آرایه‌های ادبی

نقش و نقش ← حنا ساهمان، اشتقاق / ویژه عوم اسانی /
نقاش، نقش، کلک ← سرعات نظیر / کلک از بنان افکندن ←
کنایه از نهایت حیرت و سرگشتگی

گنج حکمت و سخنان

۱۹

گویند که بطنی در آب روشنائی مندره می‌دید، پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

معنی و مفهوم

معنی نثر: نقل می‌کنند که یک مرغابی انعکاس نور ستاره‌ای را در آب می‌دید، گمان کرد آن نور، ماهی است، تلاش می‌کرد تا آن را بگیرد اما چیزی به‌دست نمی‌آورد. وقتی چندین بار تلاش کرد و نتیجه‌ای نگرفت، آن کار را رها کرد.

مباحث دستوری

گویند ← می‌گویند (مضارع اخباری) / چون ← حرف ربط وابسته‌ساز /
هیچ ← ضمیر میجه، مفعول / بیازمود ← ماضی ساده (آزمود)

آرایه‌های ادبی

بط و ماهی، آب و ماهی، روشنائی و ستاره ← تناسب

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنائی است؛ قصدی نیبوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

معنی و مفهوم

معنی نثر: روز دیگر، هرگاه ماهی می‌دید، تصور می‌کرد که همان روشنائی است و تلاشی می‌کرد و نتیجه این تجربه آن بود که همیشه گرسنه می‌ماند.

مفهوم نثر: ۱ تذکرتش فیلس نایجا

۲ نتیجه مقایسه نایجا، شکست و شکامی است

مباحث دستوری

دیگر روز ← روز دیگر (ترکیب وصفی)؛ صفت مبهم (دیگر) در جایگاه وابسته پیشین قرار گرفته است. / ثمرت و تجربت ← ویژگی سبکی (ثمره، تجربه) / بدیدی، گمان بردی، نیبوستی ← ماضی استمراری (می‌دید، گمان می‌برده نمی‌بیوست) / بماند ← ماضی ساده / همه ← صفت مبهم

مست و هشیار

دوم درس

آموزش دستور

آموزش آرایه

و از ده نامه کتاب درسی

ادب: آداب‌دان، آدب‌شناس، سخن‌دان، معلم و مربی افسار: نسبه و ریشمندی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند اکبراد: ناخودشایند بسودن، ناخوشایند داشتن امیری ترویر: تیرنگه دورویی، ریاکاری حد: کیفر و محاربات شرعی برای گناهکار و مجرم شهریور ۹۹: خارج خمار: می‌فروش خرناد ۹۹؛ خلف: خلف: میخانه دار ملک: سرزمین داروغه: پاسبان و نگهبان، شبگرد	درهم: جزء، مسکوک نقره که در گذشته به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق «پول» مورد نظر است. دینار: واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس، مطلق «پول» است؛ وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است. ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت	زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد. صفت: پیشه، کار، حرفه صواب: درست، پسندیده، مصلحت، هم‌آرا با «ثواب» اجر و پاداش غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود؛ گرو بریدن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن	و نزد خود نگه داشتن؛ موفق شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو مختصم: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود. شمام: همیشه، پیوسته، می واعظ: پنددهنده، سخنور اسرارگو والی: حاکم، فرمانروا خرداد: ۹۸ خارج وجه: ذات، وجود
--	---	---	--

۲۰

سایر واژه‌ها

مفتول: دیدگاه، نظرگاه هان: آگاه باش، به هوش باش؛ شبه جمله است برای بیان «تنبیه و تحذیر»	عار: غیبه، تنگ و راسخایی عیش: خوش گذرانی غریق: غرق شده گربان: یقه پیراهن ملک: سرزمین، کشور، مملکت	راهرو: رهرو، رونده، سالک، مزید راهبر: رهبر، راهنما، پیشوا سرا: خانه شرع: دین، شریعت صاحب‌خیر: عارف، آگاه
--	---	--

واژه‌های مهم آرایه و تشبیه

فاضلی: دور غازی: جنگجو، معرکه‌گیر	صواب: درست، مصلحت ثواب: پاداش	مأمور: امر شده معمور: آباد	عار: تنگ آر: بن مضارع از آوردن	صف: اولین عدد سه رقمی سد: مانع، حایل
خمار: می‌فروش خمار: در دسر و ضلای که پس از مستی عارض شود خمار: سقعه				

دوازدهمین مهم‌الطیبر

محتسب و مأمور / افسار و تسمه / قاضی و دادگاه / داروغه و پاسبان / غرامت و تاوان / خرداد و شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹ / عار و ننگ / درهم و دینار / حد و مجازات شرعی / عاجز و ناتوان / واعظ و اندرزگو / ترویج و دورویی / زیر و زبر / اکراه و مکروه / عیش و معیشت / واعظ و موعظه / منظر و نظار / سرای وای / کار شرع / خاخر جواب / زر و مس / زاهد ظاهرپرست / ادیب عشق / ذوالجلال / وجه خدا / هوای وصال / غریب بحر / صواب و مصلحت و درست / شهریور ۱۴۰۱

شرح متن درس

مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است آفتد»

جناس ناهمسایان (اختلافی) / قالب شعر «قطعه» است. شهریور ۱۴۰۳

معنی و مفهوم

معنی بیت: مأمور حکومتی شهر عستی را در راه دید و یقه پیراهنش را گرفت. دی ۱۴۰۱ عست گفت: رفیق، این پیراهن است که گرفته‌ای، رسمانی بستن حیوان نیست. دی ۹۸ حاج (افشارنظر و باسخ مست، هشیارانه و آگاهانه است).

مفهوم بیت: پندرتاری مأموران حکومتی یا مردم خرداد ۱۴۰۰ حاج

محب مستی به ره دید و گریانش گرفت

مباحث دستوری

«نش» در «گریانش» ← مضاف الیه، مرجع ضمیر «ش» ← هست / ره ← مخفف راه، عتقم / پیراهن، افسار ← عستد / و ← پیوند هم‌پایه‌ساز / بیت «۶ جمله» دارد.

آرایه‌های ادبی

گریبان و پیراهن ← تناسب / است و نیست ← تضاد / واج آرایی
تکرار صامت «س» / تکرار ← مست / مست و است ←

مست گفت: «متی، زن برب افغان و خیزلن می‌روی»

مباحث دستوری

«ی» در «مستی» ← مخفف فعل استندنی «هستی» دی ۱۴۰۰ / افغان و خیزلن ← قید / هر دو «نیست» در مصراع دوم ← فعل استندنی / جرم و هموار ← مسند. دی ۱۷ خراج

آرایه‌های ادبی

افغان و خیزلن ← تضاد / واج آرایی ← تکرار صامت «ر» / ره هموار نیست ← کنایه از نامساعد بودن شرایط جامعه و وجود فساد در جامعه / افغان و خیزلن رفتن ← کنایه از ندادن / این شعر

مست گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی برزم»

مباحث دستوری

می‌باید برم ← باید برم (مضارع التزامی) / «را» ← نشانه مفعول / رو، ای ← فعل امر

آرایه‌های ادبی

صبح، نیمه‌شب ← تضاد / رو، ای ← تضاد / تکرار ← قاضی / بیدار ← ابهام: ۱. مقابل «خواب» ۲. هوشیار (مقابل مست)

شعر و مکتب حقایق

ای بی خبر، بکوش که صاحب خبر شوی

تا راهرو نباشی، کی راهبره شوی؟

دی ۱۳۰۳ و ۹۹

شعر «تعلیمی و اندرزی» است.

مباحث دستوری

بی خبر ← منادا / صاحب‌خبر، راهرو، راهبر ← مسند / بیت «۵» جمله «دارد» / «که» و «تا» ← حرف ربط وابسته‌ساز

آرایه‌های ادبی

بی خبر و صاحب‌خبر ← تضاد / کی راهبر شوی ← استفهام انکاری (راهبر نمی‌شوی) / واج‌آرایی ← تکرار صامت‌های «ب» و «ر» / که و کی ← جناس ناهمسان (اخلاقی) / برای خوانش این شعر، لحن آرام و نرمی و ملایمت در گفتار باید رعایت شود زیرا محتوای

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای کسی که از شناخت و معرفت خدا بی‌خبری، در سلوک عارفانه تلاش کن تا معرفت کسب کنی و سالک راه حق باشی؛ زیرا رسیدن به کمال و مقام رهبری در گرو پیروی از پیران طریقت است. مفهوم بیت: دعوت به تلاش، ریاضت و کسب معرفت در سیر و سلوک عارفانه

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

بأن ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

خرداد ۱۴۰۳ و دی ۱۴۰۲

پسر ← اسعاره از رهرو یا سالک یا مرید / پدر ← اسعاره از مراد یا پیر یا مرشد (انسان کامل) / پدر و پسر ← جناس ناهمسان (اختلافی)

مباحث دستوری

هان ← شبه جمله / پسر ← منادا / پدر ← مسند / بیت «۴» جمله «دارد» / هان ۱ / ای پسر ۲ / در مکتب حقایق ... بکوش ۴ ← که روزی پدر شوی

آرایه‌های ادبی

مکتب حقایق، ادیب عشق ← اضافه تشبیهی / مکتب و ادیب، پسر و پدر ← تناسب / پدر شدن ← کنایه از راهبر و مراد شدن /

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای جوینده حقیقت، آگاه باش و در مکتب حقیقت‌جویی و در دستگاه مرئی عشق (پیر عارف) تلاش کن تا روزی به مقام پیر عرفانی (انسان کامل) دست یابی. مفهوم بیت: لزوم پیروی از پیر عرفانی برای رسیدن به کمال و مقام ارشاد

دست از مس وجود چه مردان ره شوی

تا کیسای عشق بیانی و زر شوی

دی ۱۳۹۹ خراج و شهریور ۹۸

زر شدن ← کنایه از تکامل یافتن و ارزشمند شدن / شهریور ۹۸، آکیمیای عشق را یافتن ← کنایه از عاشق شدن / مس ← نماد کم‌روزی / کیمیا ← نماد هر چیزی با ارزش و کیمیا / زر ← نماد ارزشمندی

مباحث دستوری

مضارع اول ← جمله پایه، مضارع دوم ← جمله پیرو / چو ← حرف اضافه، مردان ← متقم / بیوند وابسته‌ساز / کیمیای عشق ← گروه مفعولی / زر ← مسند

آرایه‌های ادبی

مس وجود ← اضافه تشبیهی / خرداد ۹۸، خراج چون مردان ره ← تشبیه / مردان ۹۸، خراج / کیمیای عشق ← اضافه تشبیهی / مردان ۹۸ / زر شوی ← تشبیه / مس و زر ← تضاد / مس، کیمیا زر ← مرعات نظیر / دست مسنن از جری ← کنایه از رها کردن چیزی /

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای جوینده حقیقت، وجود مادی خود را که همچون فلز مس بی‌ارزش است، ترک کن تا عشق را که مانند کیمیا ارزشمند است به دست آوری و وجودت همچون طلا ارزشمند شود. مفهوم بیت: ۱ ترک وجود مادی لازمه عشق‌ورزی است. ۲ عشق مایه کمال و ارزشمندی است. (با بیت پنجم مفهوم مشترک دارد.)

آزمون های فصل اول

آزمون ۱

بارم
سؤالات امتحانی
ردیف

۷ نمره
قلمرو زبانی

۱

کدام معنی از واژه «فدوم» در عبارت «اطفال شاخ را به فدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» بر نمی آید؟

(۱) فراسیدن (۲) فدم نهادن (۳) گام ها (۴) آمدن

۰/۲۵

۲

در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «پسندیده» بیابید.

«چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش»

۰/۲۵

۳

از میان واژگان ردیف «ب»، واژه ای مناسب برای عبارت های ردیف «الف» بیابید. (دو واژه اضافی است).

الف	ب
الف) دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می شود.	حکیم
ب) از نام های خداوند؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی دهد.	ذوالجلال
	غرامت
	گرو

۰/۵

۴

با توجه به متن زیر، شکل درست واژه ای را که املای آن غلط است، بنویسید.

«گویند که بطنی در آب روشنایی ستاره می دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می کرد تا بگیرد و هیچ نمی یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گراشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.»

۰/۲۵

۵

کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املایی است؟

(۱) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
(۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
(۳) نتوان شیه تو گفتن که تو در وهم نیایی
(۴) همه پیشی تو بکاهی، همه کتبی تو فضایی

۰/۲۵

۶

در موارد زیر، املای دو واژه نادرست است؛ آن ها را بیابید و شکل درست هریک را بنویسید.

الف) از بهر تو سد یار ملالت بکشیم

ب) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

ج) گر بشکنم این عهد، غرامت بکشیم

د) گز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

ه) هرگاه که یکی از پندگان گشیکار پریشان روزگار، دست عنایت به امید اجابت به درگاه حق بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.

۰/۵

۷

در بیت و عبارت زیر، املای درست واژه را از داخل گمانک برگزینید.

الف) گفت مست: ای محتسب، (بگذار / بگذار)، و رو / از برهنه گی توان بردن عرو؟
ب) واصفان حلیه جمالش به تحیز (منصوب / منسوب) که: ما عَزَقْلَاکَ حَقِّ مَعْرِفَتِکَ.

۰/۵

فصل اول - آزمون ۱		نمره												
۱۷	در اصطلاح ادبی، شیوه گفت‌وگوی بیت زیر چه نام دارد؟ «بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟ بگفت از دل تو می‌گویی، من از جان»	۰/۲۵												
۱۸	آرایه ادبی درست را از داخل گمانک انتخاب کنید. الف) چه غم دیوار است را که دارد چون تو بشنیلان؟ ب) یک دم غریق بحر خدا شو گمان میر چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح گشتیان؟ (اسلوب معادله/جناس) گز آب هفت بحر به یک موی تر شوی (ایهام / متناقض نما)	۰/۵												
۱۹	واژگان مشخص شده در عبارت زیر، آفریننده کدام آرایه ادبی است؟ «برده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرده و وظیفه روزی به خطای منگر نبرده»	۰/۲۵												
۲۰	آرایه‌های ادبی ذکرشده در ستون «ب» به کدام یک از بیت‌های ستون «الف» مربوط می‌شود؟ (در ستون «ب» یک آرایه اضافی است.)	۱												
<table><tr><th>الف</th><th>ب</th></tr><tr><td>الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست</td><td>۱- ایهام تناسب</td></tr><tr><td>ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌که که باشم خفته در خاک</td><td>۲- تشبیه</td></tr><tr><td>ب) دست از مس وجود جو مردان ره بشوی / تا گیمای عشق بیایی و زر شوی</td><td>۳- جناس</td></tr><tr><td>ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی</td><td>۴- تشخیص</td></tr><tr><td></td><td>۵- ایهام</td></tr></table>			الف	ب	الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست	۱- ایهام تناسب	ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌که که باشم خفته در خاک	۲- تشبیه	ب) دست از مس وجود جو مردان ره بشوی / تا گیمای عشق بیایی و زر شوی	۳- جناس	ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی	۴- تشخیص		۵- ایهام
الف	ب													
الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست	۱- ایهام تناسب													
ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌که که باشم خفته در خاک	۲- تشبیه													
ب) دست از مس وجود جو مردان ره بشوی / تا گیمای عشق بیایی و زر شوی	۳- جناس													
ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی	۴- تشخیص													
	۵- ایهام													
۲۱	در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبیه» و «مشبیه‌به» را بیابید. «عاشقان گشتگان معشوق‌اند بر نیاید ز گشتگان آواز»	۰/۵												
۲۲	درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید. الف) پروین اعتصامی، گفت‌وگوی «مس و هشیار» را در قالب قصیده و به شیوه مناظره سروده است. ب) مناظره «خسرو و فرهاد» سروده نظامی گنجینه‌ای است.	۰/۵												
۲۳	بیت‌های زیر را از نظر شیوه بیان (جد / طنز) مشخص کنید. الف) با محتسب عیب سگو بید که او نیز ب) از بهر تو صدبار ملامت بکشم پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است گر بشکنم این عهد، غراست بکشم	۰/۵												
۲۴	کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه است.	۰/۲۵												
۲۵	کدام یک از آثار زیر در حوزه ادبیات تعلیمی جای نمی‌گیرد؟ ۱) گلستان سعدی ۲) غزلیات حافظ ۳) دیوان پروین اعتصامی ۴) کلیله و دمنه	۰/۲۵												
۲۶	مضارع دوم بیت زیر را بنویسید. «از پای تا سرت همه نور خدا شود	۰/۵												
۲۷	مضارع نخست بیت زیر را مرتب کنید. «حق - به - نور - دل - افند - و - عشق - گر - جانت بالله گز آفتاب فلک خوبتر شوی»	۰/۲۵												
۲۸	آیا مضارع نخست بیت زیر، به درستی ذکر شده است؟ «گر در سرت هوای وصال است، حافظا باید که خاک درگاه اهل هنر شوی»	۰/۲۵												

قلمرو فکری ۸ نمره

۸. نمره

فصلنامه فکری

۲۹

مصراع «گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟

۳۰

مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) یک دم غریب بحر خدا شو گمان سبر

ب) بنیاد هستی تو جو زیر و زیر شود

کز آب هفت بحر به یک موی تو شوی

در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی

۳۱

مصراع «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی» بیانگر کدام صفات خداوند است؟

۳۲

در عبارت زیر، مقصود از «به طریق انبساط» چیست؟

«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

۳۳

نمونه‌های ستون «الف» با کدام یک از آیات و احادیث ستون «ب» مفهوم یکسانی دارند؟ (در ستون «ب»، یک مورد اضافی است).

الف	ب
الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی	۱) لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی	۲) بِأَعْيُنِنَا قَدْ اسْتَجَبْنَا مِنْ عِنْدِي وَلَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ
پ) همه پیشی تو بگاهی، همه کشتی تو فزایی	۳) مَا عَزَفْنَاكَ حَقِّي سَعْرِتِكَ
ت) گرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است	۴) هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ
و او شرمسار	۵) تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ

۳۴

سنایی در بیت زیر، چاره‌رهایی از عذاب دوزخ را چه می‌داند؟

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتشی دوزخ بودش روی رهایی»

۳۵

مفهوم بیت زیر از کدام گزینه، قابل استنباط است؟

«هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برگردد / وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

۱) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عَزَفْنَاكَ حَقِّي سَعْرِتِكَ»

۲) عاکفین کعبه جلالش به تقصیر عدت معترف که: «ما عَزَفْنَاكَ حَقِّي عِبَادَتِكَ»

۳۶

در بیت کدام گزینه، بر «حاکمیت فخر در جامعه» اشاره شده است؟

۱) گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

۲) گفت: هست: ای محتسب، بگذار و رو / از برهنه گئی: توان: بردن گرو؟

۳۷

معنی هر یک از مصراع‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) وظیفه روزی به خطای سنکر نبرد.

ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

پ) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

ت) عصا به ناکی به قدرت او شهید قایق شده.

ث) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

ج) گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

ح) بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

ز) گفت: از بهر حرمت جامه‌ات بیرون کنم

مفهوم بیت زیر از کدام گزینه، قابل استنباط است؟

«هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برگردد / وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

۱) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عَزَفْنَاكَ حَقِّي سَعْرِتِكَ»

۲) عاکفین کعبه جلالش به تقصیر عدت معترف که: «ما عَزَفْنَاكَ حَقِّي عِبَادَتِكَ»

آزمون ۲

ردیف	سؤالات امتحانی	بارم
قلمرو زبانی		نمره ۷
۱	در مصراع «وجه خدا اگر شودت منتظر نظر»، معنای واژهٔ مشخص شده چیست؟	۰/۲۵
۲	معادل درست هر توضیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف: کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همهٔ احوال عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت / عکاشفت) ب: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد. (واعظ / زاهد)	۰/۵
۳	در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژهٔ «ذُل» است؟ الف: همه عزّی و جلالی، همه علنی و یقینی ب: همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی	۰/۲۵
۴	در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد. الف: گفت: آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه ب: گفت: در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست	۰/۲۵
۵	در موارد زیر، املاي درست واژه را از داخل کمانک برگزینید. الف: توحکیمی، توعظیمی، توکریمی، تورحیمی ب: سَنَتِ خدایِ راه، عزّوجلّ، که طاعتش موجب (قربت / غربت) است و به شکر اندرش سزید نعمت.	۰/۵
۶	در کدام یک از بیت‌های زیر، غلط املائی وجود دارد؟ دوست آن را بنویسید. الف: (۱) گفت: از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم ب: (۲) یک دم غریق بهر خدا شو گمان مبر ج: گفت: یوسیدم است، جز نقشی ز یود و ثار نیست د: کز آب هفت بحر به یک سوی تر شوی	۰/۵
۷	کدام یک از عبارت‌های زیر، فاقد غلط املائی است؟ الف: (۱) عاکفان کعبهٔ جلالتش به تصویر عبادت معترف و وادغان حلیهٔ جمالش به تحریر منسوب. ب: (۲) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سقوط آدمیان و تنقذ دور زمان.	۰/۲۵
۸	در گروه واژه‌های زیر، دو نادرسی املائی وجود دارد: آن‌ها را بیابید و شکل درست هریک را بنویسید. الف: «بط و مرغابی خداوند ذوالجلال گشته‌گان معشوق داروغه و یاسبان فاحش و واضح مناع و فرمانروا صواب و مصلحت خوان و سفره»	۰/۵
۹	نقش دستوری واژهٔ مشخص شده در مصراع «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟» با کدام واژه در بیت زیر یکسان است؟ الف: «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست» ب: «در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست»	۰/۲۵
۱۰	با توجه به بیت «هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکشد / وان که دید از حیرتش کِلک از بنان افکنده‌ای»: الف: نقش دستوری ضمیر متصل «ت» در مصراع اول چیست؟ ب: ضمیر متصل «ش» در مصراع دوم، مضاف‌الیه کدام واژه است؟	۰/۵
۱۱	نوع «را» مشخص شده در عبارت زیر چیست؟ الف: «درختان را به خلعت نوروزی فیای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»	۰/۲۵

فصل ۱ (آزمون ۱)

۱۰ چهار مفعول (۵/۷۵):

گفت: باید حد زند هشیار مردم مست را

مفعول ۱

مفعول ۴

گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست!

مفعول ۲

توجه: برای پیدا کردن «مفعول» در اشعار و عبارات، کافی است فعل‌های مفعول‌پذیر را بیابید و به تعداد آن فعل‌ها مفعول در نظر بگیرید؛ پس «تعداد مفعول در بیت - تعداد فعل مفعول‌پذیر در بیت».

۱۱ «نیست» در مصراع اول: به معنی «نمی‌باشد»

(فعل اسنادی) (۵/۷۵)

«نیست» در مصراع دوم، به معنی «وجود ندارد»

(فعل غیراسنادی) (۵/۷۵)

۱۲ الف شش جمله (۵/۷۵) (در مصراع دوم، بعد از «کجا»

فعل «می‌دانی / معلوم است» به قرینه معنایی محذوف است.

ب غیراسنادی (در معنی «حضور ندارد») (۵/۷۵)

ج والی (مصراع اول): مضاف‌الیه (۵/۷۵) / سرا نهاد (۵/۷۵)

۱۳ گزینه «۱» (۵/۷۵): نقش دستوری ضمیر متصل «ت» در

مصراع سؤال و گزینه «۱» مفعول است؛ هیچ نقشی **تو** را نمی‌بیند /خواب و جور **تو** را از مرتبه خویش دور کرد؛ اما در گزینه «۲»مضاف‌الیه است؛ اگر وجه خدا منظر نظر **تو** شود ...۱۴ الف واژه «عیب» (۵/۷۵) (به محاسب عیب **من** را

مگوید)

ب عیب مفعول (۵/۷۵) ! ما: مقيم (۵/۷۵) («جو» به معنی

«مثل و مانند» به کار رفته، پس حرف اضافه است)

۱۵ الف مسند (۵/۷۵)

ب نهاد (جان آن سوخته رقت) (۵/۷۵)

۱۶ الف نادرست (۵/۷۵): «را» حرف اضافه در معنی «به» است.

ب درست (۵/۷۵)

۱ گزینه «۲» یعنی «گام‌ها» (۵/۷۵)

۲ صواب (۵/۷۵)

۳ الف غرو (۵/۷۵) ب حکیم (۵/۷۵)

۴ غرو ~~گزارش~~ + فرو گذاشت (۵/۷۵)

توجه: معانی «گذارش»: ۱- رها کردن (فروگذار) ۲- قرار دادن

(میان‌گذار) ۳- وضع کردن (فانویگذار) ۴- تأسیس کردن

(بنیان‌گذار) ۵- اجازه دادن (یگذار) ۶- عبور کردن (رهگذار)

«معانی گزارش»: ۱- به جای آوردن (شکرگزار، سپاس‌گزار) ۲- ادا

کردن (نمازگزار) ۳- انجام دادن (خدمت‌گزار) ۴- تعبیر و تفسیر

کردن (خواب‌گزار) ۵- پرداخت کردن (وام‌گزار)

۵ گزینه «۱» (۵/۷۵): در گزینه «۲»، املای واژه «فضایی»

نادرست آمده است؛ شکل درست آن «فزایی» است.

۶ الف ~~مید~~ + صد (۵/۷۵)ب ~~عکس~~ + انابت (۵/۷۵)

۷ الف بگذار (رها کن) (۵/۷۵)

ب منسوب (نست داده شده) (۵/۷۵)

۸ ۱- حلبه و زیور (۵/۷۵) ۲- شبه و همسان (۵/۷۵)

۹ گزینه «۲» (۵/۷۵): در این گزینه، فعل «می‌رسد» در عبارت

«ریشه‌های ما به آب می‌رسد» به قرینه لفظی حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حذف فعل کمکی [است] در پایان دو جمله به قرینه

معنایی: «رسیده است» / «کشیده است»

گزینه «۳»: حذف فعل [است] در هر دو مصراع به قرینه معنایی.

(چه غم است | دیوار است ... / چه باک است | از موج بحر ...)

گزینه «۴»: حذف [یا تو هستیم] بعد از منادا (واعظ) به قرینه معنایی.

آزمون های پایانی نوبت اول

آزمون ۱

ردیف	سوالات امتحانی	پارم
قلمرو زبانی ۷ نمره		
۱	کدام معنی از واژه «دمساز» در مصراع «همجو نی دمساز و مشتاقی که دید؟» بر نمی آید؟ (۱) مونس (۲) همراز (۳) همراه (۴) دره آشنا	۰/۲۵
۲	برای واژه مشخص شده در عبارت «سه مرکب دارم: باز بسته: چون نعمتی پدید آید، بر مرکب شکر نشینم.» یک برابر معنایی مناسب از بیت زیر بیابید. «با مختسبم عیب نگویید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مقام است»	۰/۲۵
۳	کدام یک از واژه های داخل کمانک، از معنای واژه «صواب» نیست؟ «چو عاجز گشت خسرو در جوابی تیامد بیش پرسیدن صوابش» (درست، مصلحت، سزاوار، پسندیده)	۰/۲۵
۴	در بیت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «سریر ملک، عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد»	۰/۲۵
۵	در متن زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. «برای کسانی که به آتش سرخ بن و بلوط خو گرفته بودند، ذغال منقل و نفت بخاری آفت بود. برای مادرم که سراسر عمرش را در چادر باز و پرهوای عشاقی به سر برده بود، تنفس در اتاقکی محصور، دشوار و جان فرسا بود.»	۰/۲۵
۶	املائی درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) نشاط (قریب / غریب) / ازل کی بردخت وطن بیرون؟ ب) بگسل ز بی این (اثاث / اساس) / تزویر ج) به تخت معمر اقا جای در بیت الحزن دارم د) بگسل ز هم این نژاد و پیوند	۰/۵
۷	در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ شکل درست آن ها را بنویسید. الف) عاکفان کعبه جلالتی به تقصیر عبادت معترف و واصفان هلیه جمالتی به تحتر متسوب. ب) پیرمرد از داخل گازیة روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج غریب شش ماه هن را نوشت. ج) از پای ناسرت همه نور خدا شود در راه زوال الجلال چو بی با و سر نشوی	۰/۷۵
۸	در گروه واژه های زیر، دو مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ آن ها را بیابید و درست هریک را بنویسید. «بهت و حیرت - غایت الفصوای مقصود - تیلسان و ردا - نشنة پاک آن اسرا - فخر و مباحات - بغما و غارت - آجر و ملات گچ - کهر و کردند - متابعت و بدرقه.»	۰/۵

۹	با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید. «خواب و خورت ز سرتبه خویش دور کرد آن‌که رسی به خویش که بی خواب و خور شوی» دوست نادرست	الف) ضمیر پیوسته «ت» مضاف‌الیه واژه «دور» است. ب) ساختار جملهٔ مصراع اول «نهاد مفعول مسند فعل» است.	۰/۵
۱۰	فعل «نیست» در کدام گزینه از نظر «کاربرد معنایی» متفاوت است؟ (۱) لبیک چشم و گوش را آن نور نیست (۲) با جان بودن به عشق در سامان نیست (۳) در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست (۴) گفت: والی از کجا در خانهٔ خنجر نیست؟		۰/۲۵
۱۱	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را از داخل کمانک رویه‌رو برگزینید. ای مرغ سحر را عشق ز پروانه بیاموز عشق، بنده را به خدا رساند، پس عشق از بهر این معنی، فوض راه آمد. (مسند / نهاد)	الف) ای مرغ سحر را عشق ز پروانه بیاموز ب) عشق، بنده را به خدا رساند، پس عشق از بهر این معنی، فوض راه آمد. (مسند / نهاد)	۰/۵
۱۲	در بیت «ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند» یک «ترکیب وصفی» و یک «ترکیب اضافی» بیابید.		۰/۵
۱۳	در هریک از بیت‌های زیر، نوع «حذف» را مشخص کنید. هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت نی، حریف هر که از یاری بُرید پرده‌هایش پرده‌های ما درید	الف) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت ب) نی، حریف هر که از یاری بُرید	۰/۵
۱۴	با توجه به بیت «ای مادر سرسپید، بشو! این پند سیاه‌بخت فرزند»: در مصراع دوم، نوع «وابسته وابسته» را مشخص کنید. نمودار یکانی «وابسته وابسته» را رسم کنید.	الف) در مصراع دوم، نوع «وابسته وابسته» را مشخص کنید. ب) نمودار یکانی «وابسته وابسته» را رسم کنید.	۰/۵
۱۵	در کدام گزینه، نقش دستوری ضمائر پیوسته مشخص شده متفاوت است؟ (۱) نمی‌دانستم که اسب و زینم را می‌گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه‌ام می‌نشاندند. (۲) نمی‌دانستم که تنگ مشفی قشنگم را می‌گیرند و قم به دستم می‌دهند.		۰/۲۵
۱۶	نوع «و» را در بیت زیر تعیین کنید. «چامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بئر آن جاسد که تنگ تن و کم از کفن است»		۰/۲۵
۱۷	در بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از قراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق»: جملهٔ «وابسته» (پیرو) را مشخص کنید. کدام واژه «وابسته وابسته» است؟ نوع آن را بنویسید.	الف) جملهٔ «وابسته» (پیرو) را مشخص کنید. ب) کدام واژه «وابسته وابسته» است؟ نوع آن را بنویسید.	۰/۷۵
قلمرو ادبی ۵ نمره			
۱۸	با توجه به متن «فژاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین را بگسترده و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیورده»: کدام یک از واژه‌های مشخص شده، «مشتبه» است؟ ترکیب «فرش زمردین» بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟	الف) کدام یک از واژه‌های مشخص شده، «مشتبه» است؟ ب) ترکیب «فرش زمردین» بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟	۰/۵
۱۹	آرایهٔ درست را از کمانک رویه‌رو برگزینید. «بیسرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران» (جناس / تضمین) عاشق بادا که عشق خوش سودایی است (ایهام / مجاز) گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتیم: در عالم پیرو، هرکجا برنایی است	الف) گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتیم: ب) در عالم پیرو، هرکجا برنایی است	۰/۵

۳۶

مضمون مشترک گزینه‌های زیر را بنویسید.

۰/۲۵

الف) یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است

بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟

ب) وجود عاشق از عشق است؛ بی‌عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می‌شناس و شهادت بی‌عشق می‌یاب.

۳۷

هریک از عبارت‌های زیر، یادآور کدام «مَثَل» است؟

۰/۵

الف) شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به گنجی پناهم بردم.

ب) از بیم عقرب جزا را دموگراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرم.

۳۸

مضمون کلی عبارت زیر را بنویسید.

۰/۵

«کلمات را کنار زنید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید»

۳۹

با توجه به ستون «الف»، مفهوم مناسب هر بیت را در ستون «ب» مشخص کنید (یک مفهوم اضافی است).

۰/۷۵

الف	ب
الف) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌بی‌اش نام نهادند	۱- ضرورت ترک تعلقات مادی در راه عشق
ب) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تاکیمای عشق بیایی و زو شوی	۲- کمال‌بخشی عشق
پ) در عشق کسی قدم نهد کیش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست	۳- ضرورت شایستگی در عشق
	۴- ضرورت توسل به مرشد و مراد

۴۰

معنی عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۰/۵

الف) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۰/۵

ب) عاکفان کعبه جلالت به تقصیر عبادت معترف.

۰/۵

پ) گفت: والی ارکجا در خانه خمار نیست؟

۰/۵

ت) بگرای چو ازدهای گرز

۰/۵

ث) هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد

۰/۵

ج) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نیاند.

۰/۵

ح) کزانه‌های فرات، خط از کرانه رود تپیر می‌خواندند.

۰/۵

خ) اما در آستانه سیوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود، ناگهان مغلوب شد.

۰/۵

پادداشت:

آزمون پایان نوبت اول (آزمون ۱)

۱۳ الف حذف واژه [دلم] در مصراع دوم، به قرینه لفظی (۵/۲۵)
(آری) [دلم] غم نداشت ...

ب حذف فعل [است] در مصراع اول، به قرینه معنایی (۵/۲۵)
(نی، حریف هرکسی [است] که از یاری نبرد)

۱۴ الف حذف مضافیه (۵/۲۵)

ب این پند فرزند سیاه‌بخت (۵/۲۵)
صفت اشاره هست مضافیه صفت مضافیه

۱۵ گزینه «۱» (۵/۲۵)؛ در این عبارت، ضمیر پیوسته «م» به ترتیب در نقش‌های «مضافیه» و «مفعول» به کار رفته است؛ لذا در عبارت گزینه «۲»، ضمیر پیوسته «م» در هر دو جمله «مضافیه» است.
بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نمی‌دانستم که اسب و زین من را می‌گیرند و من را پشت میز و نیمکت مدرسه می‌نشانند.
گزینه «۲»: نمی‌دانستم که تفنگ مشقی فشنگ من را می‌گیرند و قلم به دست من می‌دهند.

۱۶ ربط (۵/۲۵) (آن جامه را پدران که ننگ تن [است] و کمتر از کمن است).
ربط

۱۷ الف تا بگویم شرح درد اشتیاق (۵/۲۵)
پیوند جمله وابسته (پیرو) وابسته‌ساز

ب اشتیاق (۵/۲۵) ← مضافیه مضافیه (۵/۲۵)

۱۸ الف ایر بهاری (۵/۲۵)

ب استعاره (۵/۲۵)؛ استعاره از سبزه و چمن

۱۹ الف تضمین (۵/۲۵)؛ عبارت‌های داخل گیومه تضمین از بیثی از سعدی است.

ب ایهام (۵/۲۵)؛ سودا؛ (۱) دیوانگی (۲) معامله

۲۰ الف رهایی از هم‌محبتی با افراد پست، شوم و دیو‌صفت (۵/۲۵)

۱ گزینه «۳» (۵/۲۵) یعنی واژه «همراه»

۲ پیوسته = بازپسته (۵/۲۵)

۳ سزاوار (۵/۲۵)

۴ تخت پادشاهی (۵/۲۵)، اورنگ، آورد (یک مورد کافی است).

۵ ~~ذغال~~ ← زغال (۵/۲۵)

۶ الف غربت (۵/۲۵) ب اساس (۵/۲۵)

۷ الف ~~جلیه~~ ← حلیه (۵/۲۵)

ب ~~عریب~~ ← قریب (۵/۲۵)

ج ~~زوالجلال~~ ← ذوالجلال (۵/۲۵)

۸ ۱- طلیسمان و رنا (۵/۲۵) ۲- اجر و ملاحت گنج (۵/۲۵)

۹ الف نادرست (۵/۲۵)؛ ضمیر پیوسته «ت» در این مصراع در نقش «مفعولی» به کار رفته است و «مضافیه» نیست (خواب و خور تو را از مرتبه خویش دور کرد ...).
درست (۵/۲۵)

۱۰ گزینه «۲» (۵/۲۵)؛ در این گزینه، فعل «نیست» در معنی «نمی‌باشد» به کار رفته و «اسنادی» است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» و «۳»: در معنی «وجود ندارد»

گزینه «۴»: در معنی «حضور ندارد».

۱۱ الف مضافیه (۵/۲۵) (جان آن سوخته رفت ...).
ب مسند (۵/۲۵) (فعل «آمد» به معنی «شد» به کار رفته و اسنادی است).

۱۲ ترکیب وصفی ← ضربتی چند، (چند ضربت) (۵/۲۵)

ترکیب اضافی ← مشت زمین (۵/۲۵)

تاریخ ادبیات

نام درس	نام اثر	پدیدآورنده	قالب اثر	گونه ادبی
ملکد ذکر تو گویم	دیوان اشعار	حکیم سنایی غزنوی	قصیده	ادبیات تعلیمی
شکر نعمت	گلستان	سعدی	نثر امیخته به نظم	ادبیات تعلیمی
گمان	ترجمه «کلیله و دمنه»	نصرالله منشی	نثر	ادبیات تعلیمی
مست و هشیار	شعر «مست و هشیار»	پروین اعتصامی	قطعه (به شیوه منظمه)	ادبیات تعلیمی
در مکتب حقایق	غزلیات حافظ	حافظ	غزل	ادبیات تعلیمی
آزادی	دیوان اشعار	ابوالقاسم عارف قزوینی	غزل اجتماعی	ادبیات پایداری
دفتور زمانه	دیوان اشعار	فخری یزدی	غزل اجتماعی	ادبیات پایداری
خاکریز	روایت سنگسازان ۲	عسی سلمانی لطف آبادی	نثر	ادبیات پایداری
دماوندیه	دیوان اشعار	محمدتقی بهار	قصیده	ادبیات پایداری
جاسوسی که الاغ بود!	قصه شیرین فرهاد	احمد عربلو	نثر داستانی	ادبیات پایداری
فی نامه	مثنوی معنوی	مولوی	مثنوی	ادبیات غنایی
آفتاب جمال حق	فیه ما فیه	مولوی	نثر	ادبیات غنایی
در حقیقت عشق	فی حقیقة العشق	شهاب الدین سهروردی	نثر	ادبیات غنایی
سودای عشق	تمهیدات	عباس القضاة همدانی	نثر	ادبیات غنایی
صبح ستاره یاران	مثل درخته در شب باران	محمدرضا شفیعی کدکنی متخلص به «م. سرشک»	غزل	ادبیات غنایی
از پاریز تا پاریس	از پاریز تا پاریس	محمدابراهیم یاستانی یاریزی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
سه ترکیب زندگی	تذکره الاولیا	عطار نیشابوری	نثر	ادبیات عرفانی (شرح حال)
گویو	گویو	علی شریعتی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
بوی جوی سولیان	بختاری من ایل من	محمّد بهمن بیگی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
فصل شکوفایی	دری به خانه خورشید	سلمان هراتی	غزل	ادبیات انقلاب اسلامی
تبرانا	تبرانا	محمدرضا رحمانی متخلص به «مهرنادر اوستا»	نثر (شاعرانه)	ادبیات تعلیمی

آزمون های پایان نوبت دوم

آزمون خرداد ۱۴۰۳

ردیف	سوالات امتحانی	بارم
کلمه و زبانی	۷ نمره	
۱	معنای واژه مشخص شده در عبارت «دیگر در آن ذی حیاتی نفس نمی کشد» چیست؟	۰/۲۵
۲	کدام واژه جزء معانی کلمه مشخص شده نیست؟ بنشین به یکی کیود اورند (آونگ - سیر - اورنگ - تخت پادشاهی)	۰/۲۵
۳	معادل معنایی واژه مشخص شده در بیت «چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور» در کدام گزینه نیامده است؟ (۱) در شیرم مرد و زن نالیده اند. (۲) فریاد و فغان مرجیا و افریں به آسمان بلند شد. (۳) وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند.	۰/۲۵
۴	مترادف واژه «کلان» در عبارت «هر که مرا ببند، به حقیقت داند که از شما بسیار کلان ترم و جهان از شما زیادت دیده ام» کدام کلمه است؟ «یکی از مردان معتو دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می نگریست.»	۰/۲۵
۵	املاي درست را در جمله های زیر انتخاب کنید. الف) مهمان ها سخت در (معضور - محظور) گیر کرده و تکلیف خود را نمی دانند. ب) از آن همه زیبایی ها و لذت ها و (نشسته - نشعه) ها سرشار از شعر و خیال می شدم. پ) تو نماینده فضلی، تو سزاوار (ثنایی - ستایی).	۰/۷۵
۶	با توجه به واژه های مشخص شده، کدام گزینه غلط املائی دارد؟ (۱) ولی شش خردار شده بود و چشمش مثل مرغ سربریده، مدام روی میز می دوید. (۲) کلن کمند شست خم خویش بگشاید / و بیندارد به بالا، بر درختی، گیزدای، سنگی / و فراز آید. (۳) چون نیری که از شست رفته، باز نمی گردد، یک بار دیگر به کلام بلندپایه «از ماست که بر ماست» ایمان آوردم. (۴) آنگاه باز شکری که شاهان او را روی شست می نشانند و با خویشی به شکار می بردند، چنین گفت.	۰/۲۵
۷	از چهار گزینه زیر، در دو گزینه نادرستی املائی وجود دارد؛ آن دو را مشخص کنید. الف) معاط و فرمانروا - صله ارحام - سوء هاضمه ب) حمایل و محافظ - غرض نهال - مستور و پوشیده پ) مغلوب و مغهور - زل زدن و نگرستن - مخاصمت و دشمنی ت) ضماد و مرحم - بحر مکاشفت - صبحه و قریاد	۰/۵

۰/۲۵	معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.	۳۶
۰/۲۵	پهانه‌ها یک سو نهادند.	الف
۰/۲۵	آفتاب چشم‌هایشان را می‌زد.	ب
۰/۵	فندیل زیبای پروین سو زد.	پ
۰/۵	مهمان‌ها سخت در محظور گیر کرده.	ت
۰/۵	باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.	ث
۰/۵	گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند.	ج
۰/۵	در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو	ح
۰/۵	در غم ما روزها بی‌گاه شد / روزها یا سورها همراه شد	خ
۰/۵	مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است	ط

آزمون شهریور ۱۴۰۳

بارم	سؤالات امتحانی	ردیف
نمره	قلمرو زبانی	
۰/۵	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. پدران و مادران نیز در تربیت و تعلیم شما چنان که باید <u>اهتمام</u> نوزیده‌اند. دشمن با <u>استقرار</u> سلاح‌های زیادی <u>قله</u> را در دست داشت.	۱
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده، در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟ (۱) بگرانی جو اژدهای گرز (خشمگین) (۲) نی حریف هر که از پیری برید (رقیب) (۳) چه <u>استعدادی</u> نارد که عمری باشد و روزی <u>خاطراتی</u> از سفر ماه هم بنویسم (دور ناستن) (۴) یادش هر <u>زخمه</u> سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای جلد شیرین اینار کند (جراحت)	۲
۰/۲۵	واژه «بادی» در جمله «این حرف که در بادی اسر زیاد بی‌با و بی‌معنی به‌نظر می‌آمد، معلوم شد آن قدرها هم ناسمعول نیست.» با کدام واژه در متن زیر، مترادف است؟ «یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تظاول به مال رعیت درواز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.»	۳
۰/۷۵	املاي درست را در جمله‌های زیر، انتخاب نمایید. داشتیم می‌گفتم، آن شب نیز (صورت / سورت) سرعای دی بیداده‌ها می‌گرد. سرتان را روی زمین (یگذارم / یگزارم) و بروم. گاهی می‌ایستد و علف و (خواری / خاری) را پوزه می‌زند.	۴
۰/۵	در گروه واژگان زیر، دو نادرستی املايي به‌کار رفته است؛ درست آن‌ها را بنویسید. «ضخه و شبون بغولات و حیوانات سریر و اورنگ طبلسان و ردا صاع و فرماتروا مشابعت و بدرقه.»	۵

آزمون نهایی (شهریور ۱۴۰۳)

- ۱ الف کوشش، سعی، همت گماشتن، جهد (تکر یک مورد کافی است).
ب برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن (تکر یک مورد کافی است).
- ۲ گزینه «۲»
۳ آغاز
- ۴ الف سورت ب بگذارم
ب خاری
- ۵ بقولات / مطاع
۶ گزینه «۴» مستغرق ← مستغرق
۷ گزینه «۱» تحویه ← تهویه
۸ الف دیروز اگر سوخت عم برگ و بار من و تو
ب ربط
- ۹ گزینه «۲»
۱۰ الف سروده است، گفته است
ب آماده شد، مهیا شد.
- ۱۱ گزینه «۱» هر دو منتقم اند.
۱۲ گزینه «۳»
۱۳ الف بدل: پایتخت ایتالیا
ب معطوف: باروهای دودخورده آن
- ۱۴ الف متمم ب نهاد
- ۱۵ حویش ۱۵/۱۵ روزگار وصل خویش ۱۵/۱۵
۱۶ گزینه «۳» ۱۶/۱۵
۱۷ نگ چاه ۱۷/۲۵
۱۸ ماضی نقلی ۱۸/۱۵
۱۹ گزینه «۲» ۱۹/۱۵
۲۰ حسب حال ۲۰/۲۵
۲۱ الف در حیاط کوچک بابیز در زندان ۲۱/۲۵
ب پابلو نرودا ۲۱/۲۵
۲۲ الف استعاره (استعاره از عشق و معرفت الهی)
ب تشبیه (اضافه تشبیهی)
- ۲۳ الف ابهام ۲۳/۱۵ : «فسرده» (۱) افسرده (۲) منجمد
ب تضاد ۲۳/۲۵ : آباد بخیران
ب تشخیص ۲۳/۱۵ : آینه دار بودن خورشید
- ۲۴ الف مرا امیدوار کرد، مرا خوشحال کرد. ۲۴/۱۵
ب نمبرم (مردن) ۲۴/۲۵
۲۵ ملی با مهنی یا قومی ۲۵/۱۵
۲۶ الف حسن تعلیل ۲۶/۲۵
ب اسلوب معادله ۲۶/۲۵
ب اغراق ۲۶/۲۵
ت تلمیح ۲۶/۲۵
۲۷ لبخند گاه گاهمت، صبح ساره باران ۲۷/۵
۲۸ گزینه «۲» ۲۸/۲۵